

زندگی کوتاه است

یاستین گوردِر
ترجمه مهرداد بازاریاری



انتشارات هرمس

پیشگفتار مترجم

این تراژدی، داستان یک رابطه عاشقانه و محرمانه را در نامه‌ای طولانی به نمایش می‌گذارد. نامه را زنی به نام فلوریا آمیلیا به مرد زندگی‌اش ایرلیوس آگوستین، نوشته است.

آگوستین، متفکر بزرگ و کشیش اعظم کلیساهای کاتولیک، دوازده سال با فلوریا زندگی کرد. حاصل زندگی مشترکشان یک فرزند بود. در نهایت مادر آگوستین باعث جدایی فلوریا از آگوستین شد تا او نتواند مانعی برای سعادت پیوند زناشویی مجدد تنها پسرش باشد.

ظاهراً زخم و درد این جدایی تأثیر غیرقابل انکاری بر هر دو داشته است، با وجود این نام فلوریا در هیچ یک از آثار و اعترافات آگوستین نیامده است.

این رمان ترجمه‌نامه فلوریا به آگوستین است. این نامه پس از اینکه فلوریا اعترافات آگوستین را مطالعه کرده و تلاش او را برای مردود شمردن عشق و پرهیز از دنیای شهوانی دریافته، به رشته تحریر درآمده است.

مهرداد بازیاری

در رنگ و نیرنگ عشق

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
گویند رمز عشق مگویید و مشنویید مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند

حافظ

سَقُونِي وَقَالُوا لَا تُعْنَنُ وَلَا تُسْقُو اَجِبَالُ حَنِينٍ مَاسِقُونِي، لَعْنَتِ

خاک، خاک، خاک است. آن سینه پر از همه رازها، آن صبور آرام، آن حافظه چیزها و آدمها.

خاک است که در دستهای آن هنرمند بزرگ، آن معمار آغازین، آن نقاش رنگ‌آمیز هزار هزار رنگ، آن مجسمه‌ساز بی‌جسم، آن آهنگ‌ساز موسیقی ازلی، آن معلم نخستین کلمه، آن کلمه نخستین، گل شد، خمیر شد، و او روح خود را از جان و دل، در دل و جان آن خاک نشانده و از این روی، مستی خاک «آدم» شد. آدم معلم فرشتگان است، زیرا او «نام» چیزها را می‌داند و از اینجاست که او «نامیدن» می‌تواند و با «نامیدن» است که شعر ظهور می‌کند و از اینجاست که گفته‌اند نخستین شاعر، آدم نبی بود. عالم و آدم در شعر و با شعر «خلق جدید» پیدا می‌کند و شاعر، خالق مجدد زمین و آسمان می‌شود. اینها همه از خاک است و آدمیزاد با همه هستی «خاکسار» است. محبت به خاک، محبتی «وجودی» است که در عمیقترین لایه‌های هستی انسان خانه گرفته است. این محبت را نمی‌توان به مهر به وطن فروکاست مگر آنکه